

در روسیه انتخاب مردم مشخص است

کمیونست فدراسیون روسیه باردیگر نشان داد، علی رغم بیش از یک دهه تبلیغات مسموم علیه سوسیالیسم و ۵ سال اعمال سیاست های خائنه و میهن برناب ده دولت یلتسین، بخش وسیعی از زحمتکشان روسیه از اعاده سوسیالیسم در کشور حمایت می کنند. ویکتور ایلوخین، از رهبران سرشناس فراکسیون حزب کمیونست در دوما گفت: «یلتسین هم اکنون متحمل یک شکست خرد کننده شده است. زیرا وعده های او به پیروزی در دور اول مانند یک حباب صابون ترکیده است».

ادامه در ص ۸

نتایج دور اول انتخابات ریاست جمهوری روسیه (۲۷ خرداد) را می توان شکست طرفداران احیای سرمایه داری در روسیه و تجلی جذابیت توده ای و دیرپای دستاوردهای حاکمیت سوسیالیسم دانست. قریب ۵۰ میلیون از رای دهندگان روسیه با آراء خود علیه یلتسین و به نفع کاندیداهای مخالف دولت فاسد، نالایق و بحران زده او نمایش قدرتمندی از عزم توده های زحمتکش و میهن دوست برای بازگرداندن روسیه از مسیر نابود کننده ای که تحت حکومت عاملان بی شخصیت دنیای سرمایه در ۵ سال گذشته به آن تحمیل شده است، برپا داشتند. رای ۲۳ میلیون از شرکت کنندگان در انتخابات به نفع گنادی زیوگائف، رهبر حزب

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸۳، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۱۲ تیرماه ۱۳۷۵

به یاد دلاوری بی باک توده ای رفیق شهید هوشنگ تیزابی

در ص ۳

امپریالیسم آمریکا حلقه محاصره خود را به دور ایران تنگ تر می کند!

در پی انفجار مهیبی که به کشته شدن بیش از ۲۰ سرباز آمریکایی و مجروح شدت صدها تن از نظامیان خارجی (عمدتاً آمریکایی) در پایگاه نظامی دهران در عربستان سعودی منجر شد، بار دیگر خطر درگیری های تازه و بالاگرفتن تشنجات در منطقه خلیج فارس اوج تازه ای گرفت. بیل کلینتون، رییس جمهور آمریکا اعلام کرد که مسأله «برخورد و اتخاذ سیاست مشترک در قبال تروریسم و برخورد با علل این پدیده، از جمله ایران» از مهمترین موضوعات مورد بحث در نشست آینده سران هفت کشور صنعتی بزرگ جهان در لیون خواهد بود. این واقعه در شرایطی رخ می دهد که مجلس نمایندگان آمریکا نیز لایحه تشدید تحریم های تجاری علیه ایران را روز ۲۹ خرداد ماه به اتفاق آرا به تصویب رساند. این لایحه مشابه و در ادامه همان طرح معروف «داماتو» است که شش ماه قبل در مجلس سنای آمریکا به تصویب رسید بود. بر اساس مفاد لایحه جدید، شرکت های خارجی که در طول یک سال بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کنند، یا کمک «مستقیم و مهمی» در توسعه منابع نفتی در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهند، مشمول مجازات و تحریم می شوند. در یک اصلاحیه عمده، لایحه تنها قراردادهای جدید را در بر می گیرد و شرکت های خارجی که پیش از تصویب و اجرای این لایحه قراردادهایی را با جمهوری اسلامی منعقد کرده اند (مانند شرکت «توتال» فرانسه) از مجازات معاف هستند. گفته می شود این اصلاحیه از جمله به منظور جلوگیری از اعتراض متحدان اروپایی آمریکا در لایحه

ادامه در ص ۵

نهضت آزادی و انتخابات

در ص ۲

جان پناه جوان ایرانی در ترکیه در خطر است

در ص ۳

مسأله حقوقی حقوق بشر ۱

در ص ۴

پیام به هشتمین کنگره حزب کمیونست ویتنام

در ص ۵

بحثی پیرامون اهداف و تاکتیک های مبارزه در شرایط کنونی

نظری می گوید: باید آزادی را بدون آنکه مجدداً انقلابی و یا قیامی صورت بگیرد و یا فروپاشی انجام بگیرد، ذره ذره گرفت. و بالاخره آقای دکتر یزدی در مصاحبه مطبوعاتی اخیرش در توضیح بیشتر همین نظرات می گوید: «متأسفانه همه ما توی کشتی نشسته ایم، اگر این کشتی غرق بشود، همه غرق خواهیم شد... تجربه ما از همه کشورهای دیگر این است. آئنده در شیلی، در زمان مرحوم دکتر مصدق... تمام این ها ادامه، ادامه آشوب ها... و گسترش این ها سبب یک پیامد هایی خواهد بود که صد در صد به ضرر مملکت تمام خواهد شد...». البته مدافعان این نظر که طیف نسبتاً وسیعی از مخالفان ملی - مذهبی رژیم «ولایت فقیه» را در بر می گیرد، روشن نمی کنند که این روند تدریجی تفسیر چگونه و از چه طریقی در شرایط «قانونی» امکان پذیر است.

در همین طیف نظری بخش بزرگی از نیروهای مذهبی نیز وجود دارند که اصولاً معتقد به حفظ رژیم جمهوری اسلامی و حتی شکل رفرم یافته ای از حاکمیت «ولایت فقیه» هستند. این نیروها اساس تاکتیک مبارزاتی شان در شرایط کنونی تلاش برای شرکت در حاکمیت سیاسی و ایجاد مجدد ائتلافی است که در دوران حیات خمینی میان گروه های مختلف مذهبی وجود داشت و

ادامه در ص ۶

بحث در درون و بیرون از کشور پیرامون اتخاذ سیاست و تاکتیک های مشخص در برخورد با رژیم با شدت گرفتن بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی بالاگرفته است و دو نظریه مشخص از میان این برخورد ها بیش از پیش عمده می شود.

دیدگاه نخست معتقد است هدف مبارزاتی در شرایط کنونی نه درگیری و مقابله با رژیم بلکه مذاکره و قبول حاکمیت به پذیرش «رفرم»، برای باز کردن فضای سیاسی و دخالت دادن سایر نیروها در امور سیاسی کشور است. بر اساس این دیدگاه فکری، حاکمیت با درک شرایط حساس کنونی و با در نظر گرفتن «منافع مملکت» قادر خواهد بود سرانجام به پذیرش این موضع برسد که باید دست از سیاست های فعلی برداشت و سیاست های نوینی را اتخاذ کرد. این نظریه «با استراتژی مبارزه قهرآمیز و براندازی نظام مخالف است و آن را نه مفید می داند و نه موثر، اما به استراتژی مبارزه مسالمت آمیز علنی و قانونی در جهت ایجاد تغییرات سیاسی تدریجی و سنگر به سنگر معتقد می باشد...» (نگاه کنید به بیانیه نهضت آزادی زیر عنوان «تحلیلی پیرامون انتخابات دوره پنجم مجلس»). این نظریه در عین حال با هرگونه تحول بنیادین اجتماعی، از جمله انقلاب به شدت مخالف است و آن را در شرایط کنونی به ضرر مصالح کشور ارزیابی می کند. آقای مهندس سبحانی در تأیید چنین

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

به گفته مقامات جمهوری اسلامی، در ابتدا هیچ محدودیتی برای تضمین اعتبارات اعطایی به ایران از طرف «هرمس» منظور نشده بود، اما در اثر «فشارهای مستمر» دولت آمریکا، این اعتبارات نخست به یک میلیارد مارک و سپس به ۵۰۰ میلیون مارک کاهش یافت. از سوی دیگر، حسین موسویان، سفیر جمهوری اسلامی در آلمان، طی مصاحبه ای با روزنامه «گزال آمنتسایگر» چاپ بن اعلام کرد که آلمان می تواند ۲۵ درصد از طرح های عمرانی پنجساله دوم ایران را برعهده بگیرد. به گفته او، این برای آلمان ۲۵ میلیارد دلار درآمد ایجاد خواهد کرد.

همچنین خبرگزاری فرانسه گزارش داد که دولت اتریش طی توافقی با ۵ بانک ایرانی، صدها میلیون دلار وام در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی در اختیار جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

کنترل شده است.

گسترش روند خصوصی سازی

وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که تا پایان برنامه پنجساله دوم، صنعت جای ایران از انحصار دولت خارج می شود و سیاست های حاکم بر تولید چای به تدریج به سمت «آزادسازی کامل» صنعت چای در عرصه های تولید، عرضه و فروش پیش خواهد رفت. بر اساس یک خبر دیگر، بنا به گفته معاون سازمان دامپزشکی کشور، در برنامه دوم توسعه اقتصادی بخش درمان دامپزشکی نیز به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. معاون سازمان دامپزشکی گفت: تاکنون حدود ۴۰۰ پروانه ایجاد درمانگاه دامپزشکی و ۱۸ پروانه بیمارستان دامپزشکی برای بخش خصوصی صادر شده است.

فرانسه خواستار مشارکت جمهوری اسلامی شد

«هره دوشارت»، وزیر امور خارجه فرانسه، در جریان سفر خود به امارات متحده عربی، در گفت و گو با خبرنگاران در مورد ادعای دولت بحرین مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی آن کشور گفت: دولت فرانسه علاقه مند است که ایران در برنامه امنیت و ثبات خلیج فارس مشارکت داشته باشد، نه علیه آن فعالیت کند. وی افزود: «ایران نباید در امور داخلی کشورهای منطقه به مداخله بپردازد». «دوشارت» تأکید کرد که فرانسه معتقد نیست در جریان تشنج و تیرگی روابط میان بحرین و ایران، یکی از این دو کشور را باید محکوم کرد. او همچنین توصیه کرد که گفت و گو و مذاکره مسالمت آمیز بهترین راه حل اختلاف موجود میان دو کشور برسر جزایر سه گانه در خلیج فارس است.

افزایش وام ها و سرمایه گذاری های خارجی

در پی توافق دولت آلمان، کنسرسیومی متشکل از ۴۲ بانک آلمانی برای اعطای وام به جمهوری اسلامی تشکیل شد. این کنسرسیوم قرار است تا ۵۰۰ میلیون مارک به صورت وام برای خرید کالاهای آلمانی در اختیار ایران قرار دهد. شرکت دولتی بیمه «هرمس» بازپرداخت اعتبارات اعطایی را، که قرار است با مهلت بازپرداخت ده ساله انجام گیرد، تضمین خواهد کرد. بنا

رویدادهای ایران



دستگیری پسر آیت الله شیرازی

پیروان آیت الله شیرازی در لندن خبر دادند که یکی از فرزندان آیت الله شیرازی در روز ۳۰ خرداد ماه سال جاری توسط مأموران امنیتی رژیم دستگیر شده است. هشت ماه قبل نیز یکی دیگر از فرزندان آیت الله شیرازی توسط رژیم دستگیر شده بود که هنوز در زندان به سر می برد.

انتخاب هیأت رئیسه مجلس زیر «حکومت نظامی»

نشریه «عصرما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در آخرین شماره خود طی یک مقاله تحلیلی چگونگی انتخاب هیأت رئیسه مجلس را تشریح کرد. مقاله با برشمردن تخلفات متعدد جناح رسالت در مراحل مختلف انتخابات، از جمله متذکر می شود که ابطال آرای تعداد قابل توجهی از حوزه های انتخابی منجر به جا به جایی ۲۹ رأی به نفع جناح رسالت در مجلس گردید. این مقاله سپس به بیان «عوامل جدید» دیگری که در زمان انتخاب هیأت رئیسه در پیروزی جناح رسالت نقش داشتند می پردازد و با اشاره به «حمایت برخی از مسئولین رده بالا از جناح مزبور»، فاش می سازد که «استانداران و برخی از فرماندهان نیروهای مسلح وابسته یا متمایل به این جناح، در روز اخذ رأی برای هیأت رئیسه دادم» به منظور وارد آوردن «فشار بر نمایندگان مختلف» در مجلس حضور داشته اند. «عصرما» می نویسد که در روند انتخاب هیأت رئیسه، «آرای نمایندگان از طریق شماره های آنها»

نهضت آزادی و «انتخابات» پنجمین دوره مجلس

اعمال و رفتار حاکمیت، بیش از عملکرد دگراندیشان یا ضد انقلاب، در داخل و خارج از کشور، به اعتبار و آبروی آن نزد ملت و افکار مردم جهان لطمه وارد آورد... همان طور که بارها گفته شده بود، هدف ما باز کردن جو سیاسی جامعه... بود.

باید اعتراف کنیم که متأسفانه توفیق لازم به دست نیامد... بعد از تأیید صلاحیت این سه نفر (از ۱۵ نفر کاندیدای نهضت آزادی)، از طرف هیأت های نظارت چندین بار تماس هایی با آنان گرفته شد و در مذاکره حضوری و سپس تلفنی از آنها خواسته شد که در مورد اعتقادشان به ولایت مطلقه فقیه، موضع مشبستی، به طور کتبی یا شفاهی، اعلام نمایند... علاوه بر سیطنت دشمنان زیرک خارجی انقلاب و جمهوری اسلامی، برخی از احزاب و گروه های ملی نیز در مخالفت با طرح نهضت آزادی برای مشارکت در انتخابات پا را از دایره تقوای سیاسی بیرون گذاشتند و سران نهضت آزادی را به سازش با دولت و بند و بست و غیره متهم کردند...

از آن، راه را برای کاهش تنش های سیاسی و مشارکت همگان در تعیین سرنوشت خود ولو به طور نسبی، باز نماید. اما متأسفانه در عمل چنین نشد و تصمیمات و عملکردهای متناقض دست اندرکاران انتخابات نشان داد که عدم واقع بینی، اصرار حکومت بر بسته نگهداشتن و تنگتر کردن دایره انحصارات و بالاخره نادیده انگاشتن و انکار نقش احزاب واقعی و اپوزیسیون بیرون از حاکمیت اصرار دارند...

علاوه بر این، قانون انتخابات مشحون از تناقضات، نواقص و ابهاماتی مغایر و مخالف قانون اساسی است. برخی از دست اندرکاران در دولت نیز به نقیص و نارسایی های قانون انتخابات اعتراف کرده اند، اما معلوم نیست که چرا قبل از نهایی شدن آن هیچ گونه اظهار نظر یا اقدامی برای رفع آن نکرده اند... حرکت نهضت آزادی ایران جناح های مختلف حاکمیت را در بوته یک آزمون سیاسی جدی قرار داد. مخالفت با مشارکت نیروهای مستقل ملی در انتخابات در مجموع به ضرر متولیان حکومت و انتخابات تمام شد...

نهضت آزادی به قصد و نیت ضربه زدن به حاکمیت وارد صحنه انتخابات نشده بود، اما مجموعه

«نهضت آزادی ایران» با انتشار یک اطلاعیه

مفصل، به تشریح و بررسی انتخابات دوره پنجم مجلس پرداخت. نکته جالب در این تحلیل قبول شکست سیاست تلاش برای شرکت در انتخابات از طریق مذاکره با رژیم، از سوی نهضت آزادی است. ما فشرده ای از اطلاعیه «نهضت آزادی» را برای اطلاع خوانندگان در اینجا درج می کنیم:

«انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار شد که به سختی می توان آن را یک انتخابات سالم و آزاد، که موجب افتخار و اعتبار برگزار کنندگان آن باشد، محسوب کرد. در واقع، جناح قدرتمند و غالب توانست با استفاده از تمامی شیوه ها و ترفندهای مرسوم حکومت های تمامیت طلب و انحصارگر و با نادیده گرفتن قانون اساسی و سایر قوانین، از حضور فعالانه و موثر کلیه احزاب و گروه ها و شخصیت های مستقل و خارج از حاکمیت در صحنه انتخابات جلوگیری کند و حق انتخاب آزاد را از مردم، یعنی صاحبان اصلی مملکت سلب نماید...

نهضت آزادی ایران نیز امیدوار بود که با حضور در صحنه انتخابات و استقبال خطرات ناشی



«یادگار دودمان پردلی» به یاد دلاور بی باک توده ای رفیق شهید هوشنگ تیزابی

یادگار دودمان پردلی مائیم و شمع
سر به تاراج فنا رفته است و پا افشوده ایم

و نخواهم فروخت. میثاق من با توده های زحمتکش
عالی ترین و عمیق ترین پیوند هاست...»

رفیق تیزابی پس از تحمل هفت سال زندان و شکنجه در سال ۱۳۴۹ از زندان آزاد گردید و با کمترین امکانات انتشار نشریه «به سوی حزب» را آغاز کرد تا نسل جوان کشور را از زیر زنجیرهای یأس و تبلیغات زهرآگین ساواک و ارتجاع رها سازد و سیمای پر افتخار جنبش کارگری و کمونیستی ایران را به آنان بشناساند. رفیق تیزابی در مبارزه برای زدودن این تبلیغ در نسل جوان کشور، علی رغم جو حاکم آن روز بر محافل روشنفکری بی باکی از جمله می گفت: «به ما تزریق کرده بودند، که حزب توده یک دکان سیاسی است که با اشاره انگشت کوچک استالین به وجود آمده است. سرگذشت چند تا رهبر زبون و یک مشت سیاهی لشکر بی بو و خاصیت را به جای شناسنامه تمام عیار یک حزب کبیر - حزب شهدا و قهرمان ها - به ما قالب کرده بودند. بی شرف ها چه ترسند...»

رفیق تیزابی پس از دوران کوتاهی از فعالیت برای سومین بار دستگیر و به زیر وحشیانه ترین شکنجه ها برده شد. ولی شکنجه گران که با اسطوره ای از حماسه و مقاومت روبرو بودند، زبون و شکست خورده مشعل جانش را خاموش کردند تا شاید بتوانند صدای رسای تیزابی و همزمان او را در میهن ما خاموش سازند. غافل از اینکه این دلاور بی باک توده ای حتی مرگ خود را نیز

هفتم تیرماه مصادف با بیست و سومین سالگرد شهادت رفیق هوشنگ تیزابی، پیشقراول شهدای نسل نو توده ای است. رفیق هوشنگ مبارزی خستگی ناپذیر، شجاع و جسور بود که از نوزده سالگی پا به عرصه مبارزه نهاد و تا آخرین قطره خونس در راه آرمان های والای طبقه کارگر ایران و زحمتکشان میهن ما رزمید.

هوشنگ از جمله قهرمانانی بود که با وجود گردو غبار تبلیغات زهرآلود ساواک و مخالفان سیاسی حزب توده ایران، در دل سیاه استبداد محمد رضا شاهی در راه اعتلای حزب توده ها صمیمانه به پیکار پرداخت.

رفیق هوشنگ تیزابی در شرایطی به مبارزه رو آورد که ایران دوران سکوت قبرستانی را در سال های پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد پشت سر می گذاشت. رفیق تیزابی نخستین بار در سال ۱۳۴۱ در چنگال ساواک اسیر و روانه زندان شد. وی یکسال پس از آزادی بار دیگر در سال ۱۳۴۲ دستگیر و روانه بیدادگاه شاهنشاهی شد. رفیق تیزابی در دادگاه ضمن دفاع جانانه از آرمان های والای طبقه کارگر ایران و حزب آنان در پاسخ به رییس دادگاه که از او می خواست به خاطر حفظ جاننش سکوت کند از جمله گفت: «من شرافت اخلاقی و ایدئولوژیکی ام را به هیچ نفروخته ام

دشمنه ای می دید که بر قلب دشمنان میهن ما فرود خواهد آمد و راه رهایی زحمتکشان را خواهد گشود. رفیق تیزابی طلایه دار نسل نوین توده ای و مبارزان کمونیست بود که راه زحمتکشان و توده ها را پیمودند و با فدا کردن جان خود جای ویژه و ابدی در تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما به خود اختصاص داد. نام تیزابی و مبارزه قهرمانانه و اسطوره ای او امروز نمونه درخشانی است برای نسل جوانی که پرچم مبارزه را در دشوار ترین لحظات تاریخ بر دوش می کشد و راه او را پی می نمایند.

**یادش جاوید و پرچم مبارزه پرافتخارش
برافراشته باد.**

ماموران امنیتی ترکیه دستگیر و به ایران بازگردانده شده است.

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این اعمال غیر انسانی دولت ترکیه که در نقض آشکار منشور جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد و نقض کنوانسیون ژنو پیرامون حقوق پناه جویان می باشد، از سازمان های ذی ربط خصوصاً کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، و کمیسیارای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان و همچنین سازمان عفوبین المللی می خواهد تا سریعاً برای جلوگیری از بازگرداندن پناه جویان ایرانی به ایران اقدامات عاجل به عمل بیاورند. عملکرد ضد انسانی جمهوری اسلامی نمی تواند جای کوچکترین شکی پیرامون سرنوشت خطرناکی که در انتظار این پناه جویان می باشد برای کسی باقی گذارد. دستگیری، شکنجه و آزار و حتی خطر اعدام در انتظار این افراد می باشد. ما بار دیگر از شما می خواهیم تا فوراً در این زمینه اقدام کنید.

نباید اجازه داد دولت ترکیه در چارچوب زدو بندهای نهانی - امنیتی خود با دولت ایران این چنین آشکار حقوق انسانی این افراد را زیر پا گذارد...

با تقدیم احترام

روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامه سرکشاده به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به سازمان عفوبین المللی

جان پناه جویان ایرانی در ترکیه در خطر است

شهرستان های دیگر منتقل کند تا هم از انعکاس داخلی و خارجی این اقدام غیر انسانی خودداری کند و هم بتواند با پراکندن متحصنین، امکان مقاومت این شهروندان را از بین ببرد. در اطلاعیه این کمیته از جمله آمده است: «پلیس ترکیه اعلام کرد که حکم وزارت کشور ترکیه در مورد کلیه پناه جویان متحصن، انتقال اجباری آنها به شهرستان های مختلف است... پلیس اعلام کرد که چنانچه پناه جویان... در تاریخ ۲ ژوئیه حاضر به امضای برگه های انتقال به شهرستان ها نشوند ما در آن تاریخ همگی را باالاجبار از محل تحصن به امنیت سرا انتقال می دهیم...»

این اقدام دولت ترکیه در حالی صورت می پذیرد که تعدادی از متحصنین بیست و سومین روز اعتصاب غذای خود را در دفتر انجمن حقوق بشر آنکارا سپری می کنند و حمایت مردم ترکیه، احزاب، نهاد ها و تشکل های مختلف این کشور از متحصنین روز به روز افزایش می یابد...»

بر اساس همین گزارش یکی از پناه جویان به نام کریم شهرآشوب که در آنکارا مورد تعقیب و پیگرد دایمی ماموران امنیتی جمهوری اسلامی بوده است، توسط

در آخرین لحظاتی که روزنامه برای چاپ آماده می شد، مطلع شدیم که پلیس ترکیه با تعدادی کامیون به محل تحصن پناه جویان ایرانی در آنکارا یورش برده و پناه جویان ایرانی را با زور از محل تحصن دستگیر و به مقصد نامعلومی فرستاده است. حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این عمل غیر انسانی دولت ترکیه خواهان اقدام سریع و فوری همه سازمان های حقوق بشر در دفاع از حقوق شهروندان کشور ماست.

در پی دریافت خبر یورش پلیس ترکیه به پناه جویان ایرانی متحصن در آنکارا، نامه ای از سوی روابط عمومی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دفاتر سازخان ملل و سازمان عفوبین المللی ارسال گردید که در زیر بخش هایی از آن آمده است.

«... بر اساس گزارش های رسیده، دولت ترکیه برخلاف کلیه موازین بین المللی و با توسل به شیوه های غیر انسانی، برنامه بازگرداندن ده ها ایرانی پناه جو در ترکیه را آغاز کرده است. این هم وطنان اکنون بیش از سیصد و بیست روز است که در شرایط دشواری در تحصن به سر می برند. بر اساس اطلاعیه ای که از سوی کمیته هماهنگ کننده تحصن در روز ۲۶ ژوئن به دست ما رسید، پلیس ترکیه مصمم است تا به عنوان گام نخست تا روز ۲ ژوئیه پناه جویان متحصن را از آنکارا به

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

خردسال ترین کودک کارگر جهان در جمهوری اسلامی!

در رابطه با استعمار وحشیانه کودکان کم سن و سال در گوشه و کنار جهان، اسناد زیادی در دست است و آمار فراوانی منتشر شده است که ما نیز اخیراً در نامه مردم به مناسبت روز جهانی کودک به برخی از آنان اشاره کردیم و در همان جا نوشتیم که به برکت حکومت خلفای جمهوری اسلامی، بسیاری از کودکان کم سن و سال میهن ما، سرنوشت غم انگیزی پیدا کرده اند که هر از چند گاهی برخی از آنان توسط منابع گوناگون افشا می شود و مردم از آن با خبر می شوند.

سرنوشت کودکانی که کلید پلاستیکی بهشت را بر گردنشان آویزان کرده بودند تا بر روی مناطق مین گزاری شده به شهادت برسند، اطفال خردسالی که در گوشه و کنار کشور به کارهای شاق یدی در کارهای ساختمانی و معدنی مشغول می باشند و کودکانی که گاهی تنها نان آور خانواده خود می باشند... از جمله آن سرنوشت های اندوهباری است که در بالا بدان اشاره کردیم. اما رهبران جمهوری اسلامی را چه باک! آنان نه تنها حاضر نیستند آمار و ارقام مربوطه را در اختیار مردم قرار بدهند و بعنوان مثال اعلام نمایند که چند درصد از کودکان زیر ۱۲-۱۰ سال به کارهای سخت بدنی مشغول هستند بلکه برعکس آن کودکان میهن ما را از خوشبخت ترین کودکان جهان معرفی می کنند که به برکت رژیم «ولایت فقیه» در دریایی از شادی و شفق شناورند و از هرگونه امکاناتی بهره مندند! اما واقعیت جز این است.

امروز سردمداران رژیم، بسیاری از کودکان کم سن و سال را به عنوان جاسوس خانواده خود پرورش می دهند، نوجوانان را در انجمن های گوش به فرمان اسلامی گرد می آورند و جوانان را در گروه های انصار حزب الله جمع آوری می کنند... و آنکه را که هنوز در زنجیره این دایره نفرت انگیز نیفتاده است، از دور بر آن دست می یازند و بر کار شکنجه آور وی افتخار می کنند و مباحثات می ورزند! روزنامه «رسالت» در شماره ۱۲ دی ماه خود خبر از خردسال ترین فرشباف ایران می دهد و می نویسد: «دختر ۵ ساله خرم آبادی فرش های نفیسی می بافت!» رسالت ضمن تقدیر از هنر وی یادآور می شود که «نامبرده کار خود را از ۴ سالگی شروع نموده است... و در حال حاضر مشغول بافت سومین اثر خود تحت عنوان راهنمایان طبقه توحید است!! آیا بر چنین فاجعه ای که به عنوان موهبت حکومت جمهوری اسلامی به خورد مردم داده می شود می توان افتخار کرد و بر نفاست کار کمر شکن این کودک خردسال باید؟

اینگونه مدال های افتخار فقط بر سینه رسالتی ها و رژیم «ولایت فقیه» آنان زیننده است که در آینده نه چندان دور، در دادگاه خلق پاسخگوی اعمال و سیاست های ضد مردمی خود باشند.

بحث حقوقی حقوق بشر!

زندانیان سیاسی که بدون هیچگونه محاکمه «حقوقی» به جوخه های اعدام سپرده شدند چیزی جز اندیشه «سیاسی» آنان نبوده است؟ کدام یک از این قربانیان در یک دادگاه «حقوقی» محاکمه شدند؟ از کدام دفاعیات «حقوقی» یک وکیل مدافع برخوردار شدند؟ و به اتهام کدام جرم «حقوقی» تیرباران شدند؟ چه صفت و عنوانی به حقوق دانانی از این دست قابل اطلاق است که انسان ها را به جرم اندیشه های سیاسی آنان به جوخه های اعدام سپردند و بعد ادعا کردند که مساله هیچگونه جنبه سیاسی ندارد و فقط «یک بحث حقوقی است!» بر فرض که حتی چنین ادعایی درست باشد، در کدام «مبحث حقوقی» و در کجای این به اصطلاح «بحث حقوقی» گفته شده است که حاکمان سیاسی برای ادامه حکومت خودکامه خود، صاحب اختیارند که مردم را به بند بکشند و هرگونه حقوق فردی و اجتماعی را از آنان سلب کنند؟

از نظر سردمداران «ولایت فقیه»، دروغ و عوامفریبی نیز سیاستی است که بحث حقوقی شرع بر قامت آن دوخته شده است و هر نوع آدمکشی را می توان با آن توجیه کرد. اندیشه گران ولایت فقیه انسان امروزی را با برده دیروزی عوضی گرفته اند و از آنجاییکه بر ادامه چنین نگرش نادرست ابرام می ورزند، مردم ما نیز مدت هاست به بستن دکان این «از همه بهتران» همت نموده اند و در این راه همچنان به تلاش خود ادامه می دهند.

حرکت امروز مردم در این زمینه چیزی جز یک «بحث سیاسی» نیست و حقوق حاصل از آن نیز چیزی جز طرد «ولایت فقیه» نخواهد بود.

نیروهای معتقد به سوسیالیسم هستند که حرف آخر را خواهند زد.

xxxx

گنادی زیوگانف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه و کاندیدای نیروهای اپوزیسیون چپ و دموکراتیک در انتخابات ریاست جمهوری در ۴ تیرماه خواستار تشکیل یک پیمان صلح ملی و یک دولت ائتلافی شد. زیوگانف گفت که روسیه در چنان بحرانی بسر می برد که هیچ کدام از احزاب و یا رهبران سیاسی به تنهایی قادر به حل مشکلات آن نخواهند بود. او گفت باید یک شورای توافق ملی تشکیل بشود که به نوبه خود یک دولت ائتلافی را ایجاد کند.

زیوگانف پیشنهاد کرد که از ترکیب دولت ائتلافی یک سوم اعضای آن از بلوک ملی میهنی که شامل حزب کمونیست می باشد و یک سوم دیگر از دولت فعلی و باقیمانده از دیگر جناح های موجود در پارلمان (دوما) انتخاب شوند. او گفت این منعکس کننده راهی است که رای دهندگان در دور اول انتخابات از آن پشتیبانی کردند.

بعد از انتشار اولین گزارش کجدار و مریز موريس کاپیتورن، فرستاده ویژه سازمان ملل، آیت الله یزدی، رئیس قوه قضاییه رژیم به کشف تازه دیگری دست یافت و اعلام کرد که اصلاً «مساله حقوق بشر یک بحث سیاسی نیست بلکه یک بحث حقوقی است» (رسالت، ۱ اردیبهشت).

زمانی هم رئیس جمهور همین رژیم می گفت ورزش هم یک بحث سیاسی نیست اما مثلاً از اعزام تیم های ورزشی به المپیک مسکو ممانعت به عمل می آورند، فلان تیم و ورزشکار را از مقابله با یک رقیب اسرائیلی باز می داشتند... و مدتی بعد هم برای اعزام همان تیم به امریکا سر و دست می شکستند.

امروز همین داستان کهنه برای صدمین بار از سوی یزدی تکرار می شود. به نظر نامبرده حقوق بشر چیزی نیست جز عقد صیغه نکاح و یا چگونگی تخصیص سهم امام و یا احتمالاً نحوه تقسیم سهم التکرکه که بین بازماندگان فلان مرحوم... که حقوق شرعی آن می تواند از سوی چند تن از رهبران دینی تعیین شود و تکلیف معتقدین را روشن کند! نامبرده فراموش کرده است که منشور جهانی حقوق بشر را نه رهبران ادیان مختلف وضع کرده اند و نه دستگاه قضایی فلان کشور و نه مجلس قانونگذار فلان رژیم سیاسی. درست به همین خاطر است که نمی توان اعلامیه یاد شده را در چارچوب اقتدارات محلی محدود کرد و به دلخواه حاکمان سیاسی به زنجیر کشید.

رئیس قوه قضاییه رژیم که از چارچوب «حقوقی» صحبت می کند و آن را معتبر می داند آیا واقعا اطلاع ندارد که جرم ده ها هزار تن از

ادامه انتخاب مردم روسیه ...

البته پیوستن علنی الکساندر لید به طرفداران پلتسین یک «امتیاز» ویژه و منحصر به فرد را در اختیار آنها قرار می دهد، یک چهره خشن نظامی که ابایی از بکارگیری خشن ترین شیوه ها برای برخورد با مخالفان دولت نخواهد داشت، حاضر و آماده خواهد بود در صورتی که لازم باشد نتایج آراء دور دوم را به هیچ انگاشته شده و با استفاده از سرکوب حاکمیت «قانون» و «نظم» را حکمفرما کند. این واقعیتی است که لید در دوران نه چندان دوری، نظامیانی که حکومت قانونی سالوادور آلنده را در شیلی با کودتای نظامی ساقط کردند و به بهانه اعاده نظم و قانون بیش از ۲۰ سال حکومت سیاه دیکتاتوری را بر مردم شیلی تحمیل کردند، مورد تحسین قرار داده است. ولی نه روسیه شیلی است و نه مردم روسیه مردم شیلی و نه جهان، دنیای ربع قرن پیش. ترقی خواهان جهان با هشیاری کامل تحولات روسیه را دنبال می کنند و اطمینان دارند که علی رغم تمهیدات نیروهای ارتجاعی پیروزی نهایی دور از دسترس مردم و زحمتکشان روسیه نخواهد بود. در روسیه این

پیام کمیته مرکزی

حزب توده ایران به هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام

هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام، در تاریخ ۲۸ - ۳۰ ژوئن ۱۹۹۶ در هانوی پایتخت جمهوری سوسیالیستی ویتنام برگزار گردید. کنگره با هدف بررسی برنامه نوسازی ده ساله کشور (۱۹۸۶ - ۱۹۹۶) و تعیین سیاست های آتی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور برگزار شد، و از مهمترین نشست های حزب کمونیست ویتنام در سال های اخیر بود. کنگره همچنین مسؤلیت بررسی برنامه پنج ساله آینده تا سال ۲۰۰۰ و سپس برنامه دراز مدت ۲۰ ساله تا سال ۲۰۲۰ را در دستور کار خود قرار داده بود. یکی دیگر از موضوعات مهم کنگره بررسی وضعیت کنونی حزب کمونیست ویتنام، بازبینی در اساسنامه حزب و بررسی گزارش سیاسی ارائه شده از سوی کمیته مرکزی و سرانجام انتخاب رهبری جدید حزب بود.

بدین مناسبت پیامی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران به هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام داده شد که در بخش هایی از آن از جمله آمده است:

«رفقای عزیز
کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به شما نمایندگان شرکت کننده در هشتمین کنگره و از طریق شما به همه نیروهای مترقی و همه کارگران و زحمتکشان قهرمان ویتنام تقدیم می کند.

ما اطمینان داریم که هشتمین کنگره حزب کمونیست ویتنام قادر خواهد بود وظایف سنگین و دشواری را که پیش رو دارد با موفقیت و سربلندی به انجام برساند. حزب کمونیست ویتنام، پیشاهنگ کارگران و زحمتکشان ویتنام، در کوره ده ها سال مبارزه قهرمانانه و پیگیر علیه امپریالیسم جهانی خصوصاً امپریالیسم آمریکا نشان داده است که مدافع پیگر، سرسخت و خستگی ناپذیر زحمتکشان و آرمان های الوالی طبقه کارگر، است... مبارزه شما برای ساختن جامعه سوسیالیستی در کشورتان علی رغم دشواری های عظیم و خصوصاً در شرایط فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق مورد تحسین جنبش کارگری و کمونیستی جهان است و این تلاش و تجربه شما بی شک حاوی درس های ارزشمندی برای تمام جنبش است.

رفقای عزیز
حزب توده ایران همواره از روابط گرم و صمیمانه ای با رفقای ویتنامی خود برخوردار بوده است و از همبستگی صمیمانه شما با مبارزات قهرمانانه مردم ایران، برای دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و رهایی از بند های استبداد و دیکتاتوری سپاسگزار است...
زنده باد همبستگی جهانی پرولتری
زنده باد حزب کمونیست ویتنام
زنده باد روابط برادرانه میان حزب توده ایران و حزب کمونیست ویتنام»

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ادامه: امپریالیسم آمریکا حلقه ...

گنجانده شده است. همچنین، این لایحه به رییس جمهوری آمریکا اجازه می دهد تا در صورتی که مصالح ملی آن کشور ایجاب کند، یک یا همه مجازات های مزبور علیه شرکت های خارجی را لغو نماید.

توافق نهایی احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا بر سر چگونگی اعمال فشار بر جمهوری اسلامی در شرایطی صورت می گیرد که به دنبال ادعای دولت بحرین مبنی بر کوشش جمهوری اسلامی برای سرنگونی رژیم حاکم بر آن امیرنشین و تیرگی بی سابقه روابط دو کشور، فشار دیپلماتیک از طرف دولت های منطقه بر رژیم ایران ابعادی فوق العاده یافته است و دولت های آمریکا و انگلستان نیز پشتیبانی خود را از بحرین اعلام داشته اند. در پی اعلام موضع مشترک وزرای امور خارجه کشورهای عربی و حاشیه جنوبی خلیج فارس علیه ایران، کنفرانس سران کشورهای عربی نیز در قطعنامه پایانی خود، ضمن اعلام حمایت از دولت بحرین، از جمهوری اسلامی خواست تا از دخالت در امور داخلی این کشور بپرهیزد.

همچنین، بیل کلینتون با ارسال پیامی برای امیر بحرین حمایت دولت آمریکا را از آن کشور در برابر مداخلات مورد ادعای این دولت از سوی ایران اعلام داشت. یکی از مقامات ارشد وزارت امور خارجه انگلستان نیز طی سفری به «نامه»، مواضعی مشابه اتخاذ کرد و وزیر مشاور دولت انگلستان در امور نیروهای مسلح، از «تقویت حضور نظامی» این کشور در خلیج فارس به علت «تهدید مستمر ایران» سخن به میان آورد.

مجموعه این رویدادها گویای ابعاد عظیم توطئه ای است که از سوی امپریالیسم آمریکا و دولت های مرتجع منطقه علیه مردم میهن ما تدارک دیده می شود؛ توطئه ای که بی تردید یکی از مهم ترین ارکان سیاست آمریکا برای تضمین و تحکیم سلطه خویش بر این منطقه است.

ما، پیش از این، در تحلیل آخرین رویدادهای منطقه نوشتیم: «امپریالیسم آمریکا به این نتیجه رسیده است که می بایست پیاده کردن نظم نوین جهانی مورد نظر خود را در این منطقه استراتژیک سرعت بخشد.» («نامه مردم»، شماره ۴۷۸، ۷۵/۲/۴). پیروزی حزب راستگرای «لیکود» در انتخابات اخیر اسرائیل، به خطر افتادن «روند صلح» اعراب و اسرائیل، و در نتیجه، دورنمای اوجگیری جنبش مقاومت در برابر زورگویی های رژیم صهیونیستی توسط مردم عرب به طور اعم و خلق فلسطین به طور اخص؛ متزلزل بودن اوضاع سیاسی در بحرین و تأثیر ناگزیر آن بر سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس؛ و بی ثباتی در هیأت حاکمه ترکیه، همگی از یک سو، و افزایش روزافزون قدرت کمونیست ها و سایر نیروهای مترقی در روسیه، که جدا از سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری این کشور، آینده «نامطمئن» از اوضاع روسیه را برای امپریالیسم تصویر می کند، و تأثیر این وضعیت بر جمهوری های اتحاد شوروی سابق، از سوی دیگر، «دلایل» امپریالیسم آمریکا را برای «سرعت» بخشیدن به کار پیاده کردن «نظم» دلخواه خود در منطقه روشن تر می

سازد.

برقراری این «نظم» در منطقه بدون «حل مسأله ایران»، با دشواری روبرو است. تأثیرگذاری فوق العاده تحولات درونی ایران بر رویدادهای منطقه، و اهمیت موقعیت استراتژیک میهن ما، نه تنها به عنوان بزرگترین کشور حاشیه خلیج فارس، بلکه همچنین به عنوان حلقه واسط میان روسیه و منطقه خاورمیانه و کشورهای آسیای مرکزی، نقش و وزن و جایگاه ایران را در مجموعه استراتژی جهانی امپریالیسم مشخص می سازد.

مجموعه این عوامل، به اعتقاد ما آمریکا را به تشدید فشار علیه ایران واداشته است. جامعه اروپا نیز پس از تصویب این لایحه از سوی مجلس نمایندگان آمریکا، ضمن تأکید مجدد بر مخالفت های خود، در عین حال اعلام کرده است که «فصل مشترک های ما با آمریکا بیش از وجه اختلاف ما است». این گفته بیش از هر چیز به معنای آمادگی اروپا برای حل مسایل خود با آمریکا و دستیابی به یک استراتژی مشترک با این کشور در رابطه با ایران است.

بدین ترتیب، باید انتظار داشت که با توجه به متزلزل شدن بیش از پیش اوضاع سیاسی در ایران، توافق جدیدی نیز میان اروپا و آمریکا در رابطه با شیوه برخورد به جمهوری اسلامی حاصل شود و به دنبال آن تعرض همه جانبه دولت های امپریالیستی علیه مردم میهن ما به سرعت ابعادی تازه و خطرناک به خود بگیرد.

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن ارزیابی همه جانبه سیاست های امپریالیسم آمریکا نسبت به ایران به درستی هشدار داد: «با توجه به بغرنجی شرایط ایران و عملکرد نیروهای گوناگون، به نظر نمی رسد که امپریالیسم در شرایط کنونی آلترناتیو واحدی را در ایران دنبال می کند. هدف امپریالیسم جهانی، خصوصاً آمریکا، بازگرداندن شرایطی به ایران است که قبل از انقلاب بهمین ۵۷ وجود داشت... برای تحقق چنین شرایطی، سیاست گذاران سرمایه داری جهانی نسخه های گوناگونی را می توانند مد نظر داشته باشند...»

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست های مداخله جویانه امپریالیسم جهانی در منطقه معتقد است که مردم و نیروهای مترقی می بایست با دقت و هوشیاری و با اتحاد عمل خود در مقابل توطئه های امپریالیسم علیه میهن ما، که هدفی جز تأمین منافع خود در منطقه را دنبال نمی کند، مبارزه خود را تشدید کنند.

تصحیح و پوشش

در شماره ۴۸۲ «نامه مردم» مقاله «طبقه کارگر و معضل بیکاری» به دلیل اشکال فنی در صفحه بندی ناقام چاپ شده است. با پوشش از خوانندگان متن کامل این مقاله در شماره آینده از نظرتان خواهد گذشت.

بحثی پیرامون تاکتیک مبارزه...

بخش های مختلف حاکمیت زیر نظارت خمینی میان این گروه ها تقسیم شده بود. بخش اساسی این نیروها مانند طرفداران روزنامه سلام و مجاهدین انقلاب اسلامی اعتراض جدی شان به از هم پاشیده شدن این ائتلاف و حرکت بخش هایی از حاکمیت به سمت قبضه کردن همه اهرم های حکومتی است. این طیف از نیروها نیز علی رغم حاد تر شدن برخورد هایشان با حاکمیت مخالف سرسخت تغییر اساسی در جمهوری اسلامی هستند و به گفته خودشان هنوز با سایر نیروهای مخالف رژیم خصوصاً اپوزیسیون غیر مذهبی «ضد انقلاب»، «منافق» و ... مرزبندی جدی دارند.

برای تعیین تاکتیک مبارزاتی ضروری است تا درک و شناخت روشنی از پدیده هایی که در این عرصه نقش تعیین کننده ای دارند، به دست آورد. به عنوان نمونه باید به درک روشنی از ماهیت رژیم «ولایت فقیه» در شرایط کنونی دست یافت و سپس پرسید آیا چنین درکی با ارزیابی دکتر یزدی که شرایط رژیم کنونی و کشور را با شرایط حکومت دکتر آینده در شیلی و حکومت دکتر مصدق در ایران یکسان می داند موافقت دارد؟

نکته دیگر اینکه تعیین تاکتیک های مبارزاتی ما در شرایط کنونی بر عهده کیست؟ مردم و نیروهای مخالف رژیم، یا رژیم «ولایت فقیه»؟ برای روشن تر شدن موضوع توجه خوانندگان را به برخورد این طرز تفکر در مورد پنجمین دوره «انتخابات» مجلس جلب می کنیم. بر اساس این درک مردم فراخوانده شدند که «فعالانه» در «انتخابات» شرکت کنند و از این طریق در گشوده شدن فضای سیاسی و تعیین سرنوشت کشور دخالت کنند.

در این ارزیابی این دید نهفته بود که می توان فضای سیاسی کشور را با راه یابی تنی چند مخالف سیاسی رژیم به درون مجلس شورای اسلامی باز کرد و چنین امری می تواند راه گشای باز شدن دریچه های دیگر باشد.

سوالی که در اینجا مطرح می شود، این است که در شرایطی که با مخالفت و اقدامات سرکوبگرانه رژیم جلوی اعمال و اجرای این سیاست گرفته می شود، تکلیف چیست. مذاکره بیشتر؟

حزب توده ایران، طی بیش از پنج دهه مبارزه سیاسی در ایران همواره معتقد به تعیین سیاست های اصولی و واقع بینانه بر اساس درک دقیق و علمی از شرایط روز بوده است. ما نیز بر این نظریه که می بایست حکومت های دیکتاتوری را به عقب نشینی و تن دادن به «رفرم» به نفع خواست های مردمی و خصوصاً زحمتکش و آوار کرد و از درون این مبارزه راه را برای تحولات بنیادین گشود.

تجربه تاریخی نشان داده است که حکومت های دیکتاتوری هیچگاه در یک روند خود به خودی حاضر به تن دادن به تغییرات نیستند و تنها از طریق ایجاد نیروی گسترده و توانمند اجتماعی است که می توان «بالایی ها» و حکومت مداران را به عقب نشینی وادار کرد. تصور اینکه رژیم کنونی تنها از سر درک «مصالح کشور» تن به «رفرم» و عقب نشینی خواهد داد تصویری غیر واقعی و خوش باورانه است که با

تجربه عملی نیروهای مترقی میهن ما از عملکرد ضد مردمی و ضد ملی حاکمیت همخوانی ندارد. سیاست مذاکره با رژیم و یا جناح هایی از رژیم تاکنون از سوی نیروهای گوناگون چندین بار آزمایش و هربار با شکست روبرو شده است.

نکته دیگر اینکه ما به شدت با مقایسه اوضاع کنونی و رژیم ضد مردمی و دیکتاتوری «ولایت فقیه» با حکومت مردمی و خلقی دکتر آینده در شیلی و حکومت ملی دکتر مصدق در ایران مخالفیم. چنین ارزیابی کوچکترین ارتباطی با واقعیات ندارد. برای روشن تر شدن موضوع کافی است یادآوری کنیم که در دوران دکتر مصدق احزاب، جمعیت ها و گروه ها از آزادی نسبی برخوردار بودند، مطبوعات، سندیکاها، سازمان های اجتماعی اجازه فعالیت داشتند و یک جنبش عظیم مردمی - توده ای در صحنه مبارزه خواست های مشخص و روشنی را مطرح می کرد.

امروز نه تنها در ایران احزاب، گروه ها، سندیکاها، سازمان های اجتماعی و مطبوعات آزاد نیستند، بلکه بخش مهمی از نیروی حاکمیت صرف سرکوب خونین و وحشیانه مخالفان، از دستگیری تا اعدام های جمعی می شود و هرگونه جنبشی، جز از نوع «حزب الهی» آن به دست نیروهای سرکوبگر، فوراً به شدید ترین وجهی سرکوب می شود. آخرین نمونه از این دست برخورد را می توان در یورش مسلحانه مزدوران رژیم به قیام مردم «اسلام شهر» یافت.

کمیته مرکزی حزب ما در پلنوم اخیر خود ضمن بررسی شرایط کشور، برنامه و سیاست گروه های مختلف درون حاکمیت از جمله اعلام کرد: «کشور ما به یک تحول بنیادین، که عرصه های گوناگون زندگی مردم را در بر گیرد نیازمند است.

ما مارکسیست ها چنین تحول بنیادین را در چارچوب انقلاب اجتماعی امکان پذیر می دانیم... مهمترین وظیفه چنین تحول اجتماعی در شرایط کنونی برچیدن بساط استبداد رژیم «ولایت فقیه»، استقرار دموکراسی و آزادی و ایجاد شرایط مناسب برای بازسازی، توسعه و پیشرفت و استقرار عدالت اجتماعی در جامعه است... امروز در ایران، به دلیل سیاست ها و عملکرد ضد مردمی رژیم، رشد و تعمیق همه جانبه بحران اقتصادی - اجتماعی که تمامی حیات جامعه را در بر گرفته است... مدتها است شرایط عینی مساعد وجود داشته و دارد. عاملی که در شرایط حاضر کمبود آن به شدت احساس می شود، عامل ذهنی، یعنی تشکل، سیاست صحیح و عملکرد درست و پیگیر نیروهای راستین مدافع منافع مردم و توده های زحمتکش است که بتواند مرکز مشخص مبارزه در مقابل استبداد را برپا کند...»

بر اساس چنین درکی است که حزب توده ایران پیشنهاد تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری را مطرح و در راه تشکیل آن مبارزه می کند.

حزب ما مخالف مبارزه برای رفرم نیست، ولی در عین حال اعتقاد دارد که برای مجبور کردن رژیم های استبدادی به پذیرش هر تغییری نیاز به نیروی اجتماعی است و بنا بر این گام نخست حتی برای پیاده کردن سیاست «رفرم» ایجاد نیرو در درون جامعه است.

ما بار دیگر تأکید می کنیم که مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، از طریق سازمان دهی مبارزه توده ای وسیع و مقابله و مقاومت در برابر حاکمیت نخستین گام در مبارزه ای است که استقرار آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی در ایران را دنبال می کند.

«برای بهترین پیوند»

تقدیم: به همه مبارزان راه آزادی، استقلال

و عدالت اجتماعی

هوایی تازه می خواهم،

نگاهی نو.

دهانی آتشین و نغز،

حرفی تازه و پُر مغز

که بنشانند نشاط و شور،

بر این دل

که برگردد غم جانکاه و هستی سوز،

از منزل!

نگاهم کن،

همان من،

رفیق تیرباران گشته ات

در عرصه پیکار با بیداد!

همان دیوانه آزادی و داد!

نگاهم کن،

همان اشکم،

که از چشم تو افتادم!

همان خونم،

که شیدانان،

به نام عدل!

بر دست تو می ریزند!

زبانم لال!

مبادت روز خاموشی!

فرااموشی!

صدایم کن،

صدایی تازه می خواهم،

دهانی نو،

زبانی سرخ،

چون آتش

که هیزم را بسوزاند،

به زیر پای شیدانان!

صدایم کن،

برای بهترین پیوند.

برای روز بهتر بود،

مرگ من!

برای رستن خلقی،

زدام خونی شیطان!

ترا من تازه می خواهم،

پُر از امید،

که برگیریم!

غم جانکاه و هستی سوز.

رویدادهای جهان



محافل ناتو در تدارک ایجاد کانون های جدید تشنج در منطقه

تحولات چند ماهه اخیر در کشورهای همجوار میهن ما نمایشگر تحولات بی سابقه دیپلماتیک ترکیه و یونان، دو کشور عضو پیمان تجاوزگر ناتو می باشد. پیمان استراتژیک و همه جانبه ترکیه و اسرائیل از یکسو و ادامه تشنج در چندین کانون در منطقه و حساسیت ژئولیتیک منطقه خاورمیانه و حوزه مدیترانه و ادامه سیاست امپریالیسم برای کنترل منابع آن شکی باقی نمی گذارد که در صورت عدم مقاومت و عکس العمل منطقی نیروهای ترقی خواه منطقه باید انتظار مشکلات جدیدی را در این منطقه داشت.

موافقتنامه همکاری های نظامی بین یونان و ارمنستان
لئون ترپروسیان، رئیس جمهور ارمنستان در ۲۸ خرداد ماه برای یک دیدار رسمی وارد یونان شد و گفتگوهایی را با همتای یونانی خود کوستیس استفانوپولوس و نخست وزیر یونان، کوستاس سیمیتس به انجام رساند. این گفتگوها در مورد روابط متقابل بین دو کشور، مسایل منطقه ای و پیوند با اتحادیه اروپا بود. در جریان این گفتگوها پیمان دوستی، موافقتنامه همکاری های اقتصادی و فرهنگی و قراردادی برای توسعه توریسم امضاء گردید. تریپروسیان گفت که پیمان دوستی روابط سنتی قدرتمند بین ارمنستان و یونان را تقویت خواهد کرد و سیمیتس علاقه یونان را به سرمایه گذاری در ارمنستان مورد تاکید قرار داد. دو کشور در ۲۹ خرداد یک موافقتنامه همکاری های نظامی را به امضاء رساندند.
* متعاقب بازدید گرداننده سرویس امنیت خارجی روسیه، ویچیسلاو تروبیگوف، از باکو در ۱۷

خرداد ماه، وزیر امنیت ملی آذربایجان نامیق عباس اوف گفت که دو طرف در مورد همکاری های دو جانبه به توافق «شفاهی» دست یافته اند. طبق گزارش خبرگزاری توران در ۱۸ خرداد ماه، این همکاری ها شامل هماهنگ کردن فعالیت های اطلاعاتی، تربیت و تعلیم کادرهای اطلاعاتی و تبادل اطلاعات خواهد بود. در همین اثنا یک هیات نمایندگی سازمان امنیت ملی ترکیه گفتگوهایی را با مقامات رسمی وزارت امنیت گرجستان به انجام رسانید. به گزارش مطبوعات ترکیه در روز ۲۱ خرداد ماه وزیر دفاع آذربایجان صفر آبیف و رئیس ستاد ارتش ترکیه ککیک کارادی، در آنکارا موافقتنامه نظامی ای را در مورد همکاری های فنی علمی و آموزشی به امضاء رسانیدند. همچنین به گزارش اخبار روزانه ترکیه در ۲۲ خرداد ماه، رئیس جمهور آذربایجان، حیدر علی اوف میزبان یک هیات نمایندگی از مجلس اعلای ملی ترکیه بود. او از ترکیه برای حمایتش از آذربایجان در درگیری با ارمنستان در مورد بحران ناگورنی قره باغ تشکر کرد.

* به گزارش اسلوپودنیا در ۳۱ خرداد ماه سلیمان دمیرل، رئیس جمهور ترکیه در اولین بازدید خود از بوسنی - هرزگوین از زمان اعلام استقلال آن گفت ترکیه تصمیم گرفته است که به جای اعطای ۲۰ میلیون دلار وام آن را به صورت کمک در اختیار این کشور قرار دهد. این وام بخشی از ۵۰ میلیون دلار کمکی است که ترکیه برای بازسازی بوسنی اختصاص داده است. دمیرل گفتگوهای خود با عزت بگوچ، رئیس جمهور بوسنی را «بسیار مثبت» خواند. دمیرل همچنین با کرزیمیر زویاک، رئیس جمهور فدراسیون بوسنی ملاقات کرده و گفتگوهایی در مورد پیاده کردن پیمان صلح دایتون با او داشت. دو مقام رسمی موافقت کردند که فدراسیون مسلمان کروات مهم ترین پیش شرط برای حفظ صلح در کشور است. در همان روز یک کمیانی ترکیه و بوسنی قراردادی برای یک پروژه مشترک ۲۲/۶ میلیون دلاری امضا کردند.

* فرانتجو توچمان، رئیس جمهور کرواسی برای دیدار دو روزه در اول تیر ماه وارد آنکارا شد. در جریان این بازدید چهار موافقتنامه همکاری دفاعی، آموزشی، تکنولوژیکی و توریستی به امضاء رسید. موافقتنامه دفاعی که برای مدت ها انتظار آن می رفت، پیش بینی همکاری های دو طرف در تمرینات نظامی، لجستیک و صنایع نظامی را در بردارد. ترکیه هم اکنون چنین قراردادهایی را با بوسنی - هرزگوین و مقدونیه امضاء کرده است.

اطخار کشورهای عربی به اسرائیل

در روزهای ۲ و ۳ تیرماه اجلاس لیگ کشورهای عربی با حضور ۱۴ تن از سران و نمایندگان ۷ کشور دیگر عربی در قاهره برگزار شد. هدف این گردهمایی که به دعوت مبارک، رئیس جمهور مصر و به دنبال اجلاس رهبران مصر، سوریه و عربستان سعودی در اواسط خرداد ماه منعقد شد مطالعه و تصمیم گیری در مورد عواقب به قدرت رسیدن حزب لیکود و صهیونیست های افراطی در اسرائیل در قبال پروسه صلح بود. اجلاس کشورهای عربی که پس از ۶ سال برای اولین بار تشکیل می شد به اسرائیل اخطار کرد که از اصل «زمین در مقابل صلح» که اساس مذاکرات از زمان صلح مادرید تاکنون بوده است تخطی نکند بیانیه نهایی اجلاس متذکر شد که در غیر این صورت به «عقب گردی برای روند صلح بدل خواهد شد با تمام مخاطراتی که می تواند در برگرداندن دوران تشنج به منطقه، در برداشته باشد».

رهبران عرب از اسرائیل خواستند که قبول کند «مردم فلسطین به حقوق حقه خود به خودمختاری دست یابند و یک دولت مستقل فلسطینی را که پایتخت آن اورشلیم غربی است تاسیس کنند». گردهمایی رهبران عرب همچنین در راستای قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل خواستار عقب نشینی کامل نیروهای اسرائیل از بلندی های جولان و جنوب لبنان شدند. یاسر عرفات که در دوره پس از انتخاب دولت لیکود مورد بی تفاوتی قرار داشته است گفت که او علی رغم تمام بیانیه های «افراط گرایانه» اسرائیل منتظر است که گفتگوها در مورد روند صلح را از سر بگیرد. او به اسرائیل اخطار کرد که توقف روند صلح عواقب غیر قابل پیش بینی ای خواهد داشت.

در اورشلیم تشنیها، نخست وزیر جدید اسرائیل سرسختی خود را در ادامه سیاست های صهیونیستی به نمایش گذارد و ضمن بیان اینکه اسرائیل هیچ تهدیدی را نمی پذیرد اظهار داشت: خواسته های یک طرفه که امنیت ما را به مخاطره می اندازد با سخن گفتن از صلح هم خوانی ندارد... برای اینکه روند صلح بطور موفقیت آمیز و سودمند ادامه یابد، باید چنین بیانیه هایی متوقف شود.

حراج منابع کشور قزاقستان زیر لوای مزایده عمومی

شیمکنت را که بزرگ ترین پالایشگاه قزاقستان است را به قیمت ۲۳۰ میلیون دلار خرید. کمپانی نفتی آمریکایی سامسون و کمپانی کانادایی هاریکن هیدروکربن تنها مشتری یک کمپانی عظیم نفتی بنام یوژنف گاز بود که ذخایر هیدروکربن آن بالغ بر ۶۵۰ میلیون بشکه می باشد. به علاوه کمپانی های آمریکایی اکسون و تگزاکو خواستار خرید یک مجمع تولید نفت بنام اکتیبنسک نفت می باشد که ۱/۴ میلیارد بشکه ذخیره دارد.

گزارشگران غربی اطلاع داده اند در برخی موارد که مشخصا منحصر بودن خریداران و قیمت پیشنهادی افتتاح آمیز بود، از طرف دولت برای پیدا کردن یک خریدار دیگر فشار وارد می آمد. این مشتریان جدید معمولاً کمپانی های قزاقستانی شریک مزایده کنندگان غربی بودند که عملاً قیمت های پایین تری را مطرح می کردند.

دولت قزاقستان خود اعلام کرده بود که برای جبران افتضاحات مالی و برخی اشکالات در انعقاد قرارداد با کشورهای غربی، تصمیم گرفت که این صنایع را از طریق مزایده عمومی بفروشد که به اصطلاح اعتماد بازارهای غرب را بدست بیاورد. نورژان سخنانریدین، رئیس بانک تجاری قزاقستان گفت: «این یک اتفاق کلیدی است. دولت در تلاش است که از طریق مزایده عمومی یک طیف وسیع سرمایه گذاران خارجی را جذب کند» یک کنسرسیوم مرکب از سه کمپانی طلای غربی، حقوق انحصاری برای انعقاد قراردادی که ۸۰ درصد سهام معدن طلای واسیلکوسکوی را که ذخایر قابل استخراج عظیمی دارد به آنها می دهد. این کنسرسیوم بابت این معدن فقط ۸۵ میلیون دلار پرداخت و تنها مشتری آن بود!

ویتول، کمپانی نفت هلندی، پالایشگاه نفت

دولت قزاقستان برای اثبات پای بندی خود به نرم های «بازار آزاد» و رعایت «شفافیت در مزایده عمومی آزاد» در روزهای ۱۱ و ۱۲ خرداد ماه با حراج صنایع عمده خود، عمده ترین منابع نفت و طلای کشور را به قیمت های باور نکردنی در اختیار کمپانی های غربی و بالاحص آمریکایی و کانادایی قرار داد. یکی از مشخصات ویژه این طرح وجود عمدتاً یک خریدار و یک کنسرسیوم خریدار برای صنایعی بود که در سال های اخیر انحصارهای نفتی - معدنی امپریالیستی چشم طمع بر آن دوخته بودند.

کمپانی های غربی در این دور روز کنترل برخی از بزرگ ترین کمپانی های قزاقستان را که مجموعاً بیش از یک میلیارد دلار قیمت داشتند به دست آوردند. این صنایع شامل بزرگ ترین پالایشگاه نفت قزاقستان، یک شرکت عظیم نفتی و چهارمین معدن بزرگ طلای جهان بودند.

ادامه: در روسیه انتخاب مردم روشن است

بعدی در اینست که عملاً این انتخابات به مبارزه ای بین «احیاء کمونیسم» و «ادامه حیات اقتصاد بازار» در روسیه بدل شده است. به گفته یک اقتصاد دان استیتوی کار: «دینامیت حقیقی در این کارزار انتخاباتی سمبولیسم بود». عدم پیروزی یلتسین در جلب آراء توده ها در حمایت از دور دیگر ریاست جمهوری او، معنایی جز شکست تجربه اقتصاد بازار در روسیه ندارد. یلتسین برای شکستن مقاومت نیروهای مخالف از همه شیوه ها استفاده کرده است: انحصار مطبوعات و تلویزیون، بسیج رسوای حمایت رهبران غربی و همچنین استفاده از تاکتیک ترساندن مردم از نتایج تغییر در حکومت و وسیع ترین اقدامات برای تقلب در رای گیری تنها برخی از تاکتیک های تزار جدید روسیه بود. علی رغم این همه تلاش، یلتسین تنها با یک اختلاف ناچیز از رقیب کمونیست خود پیشی گرفت. بر طبق آمار منتشره از سوی مقامات رسمی یلتسین صاحب ۳۵/۱ درصد شد، آراء زیوگانف ۳۲ درصد، الکساندر لید ۱۴/۷ درصد، یاولینسکی ۷/۴ درصد و زیرونفسکی ۵/۴ درصد بود بقیه کاندیداها از جمله میخائیل گارباچف، معمار شکست سوسیالیسم در اتحاد شوروی کمتر از یک درصد آراء را بخود اختصاص دادند.

طی کارزار انتخاباتی یلتسین کوشش فراوان کرد تا مفاهیم جنگ داخلی و سرکوب را به عنوان نتایج پیروزی حزب کمونیست در انتخابات در اذهان مردم جای بدهد. علی رغم این حقیقت آشکار و عریان که این خود یلتسین بود که سی ماه پیش برای حل اختلاف پارلمان و ریاست جمهوری، پارلمان و نمایندگان مردم را به توپ بست و این شخص ریاست جمهور بود که جنگی بی دلیل را در چین دامن زد که تاکنون ۳۰۰۰۰ نفر تلفات جانی داشته است که ۹۰ درصد آنها غیر نظامی هستند.

سیاست انتخاباتی یلتسین عملاً خاک در چشم توده ها ریختن و امید بستن به فراموشی مردم است. یلتسین و مشاورانش با مطالعه و تحلیل نتایج انتخابات دوما از همان ابتدای سال مسیحی تشخیص داده بودند که در صورت ادامه جنگ در چین او شانس برای حفظ مقام ریاست جمهوری نخواهد داشت. ولی اقدامات تبلیغاتی و پر سر و صدای او در رابطه با پایان جنگ و سفر او به گروزی، پایتخت چین هیچ کس را متقاعد نساخت و توده های مردم با بیانیه او مبنی بر پایان جنگ و پیروزی نیروهای دولت روسیه با نا باوری برخورد کردند. طرفداران یلتسین امیدوارند که رای دهندگان فاصله لاف و گزاف گویی ها و واقعیت را در رابطه با جنگ چین و نیز دیگر عرصه های زندگی در

نیابند. ولیکن برای مردمی که به پای صندوق های رای رفتند: عدم دریافت حقوق میلیون ها نفر از کارمندان بخش عمومی و دولتی، فاصله بین فقر و ثروت (در روسیه اکنون به مراتب وسیع تر از پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ است)، اینکه ۳۶ میلیون نفر از مردم در زیر خط فقر - یعنی درآمد زیر ۲۱۰۰۰ روبل در ماه - بسر می برند، که تولید صنعتی در ۵ ساله اخیر نصف شده است، که بخش کشاورزی به دلیل عدم امکان رقابت با محصولات وارداتی از کشت روی نیمی از زمین های قابل زراعت خودداری کرده است، حقایق ملموس می باشند.

تاکیدهای یلتسین مبنی بر اینکه اعمال اقتصاد بازار توسط دولت دردناک بوده ولی برای خوشبختی و رفاه توده ها که گویا به زودی فراخواهد رسید لازم بوده است. از سوی زحمتکشان به عنوان یک دروغ خنده دار مردود شمرده شد.

طی کارزار انتخاباتی، یلتسین بی توجه به مصالح کشور و اقتصاد آن با تمام توان تلاش کرد که شاید زحمتکشان را بفریبند و از جذابیت منحصر به فرد پلاتفرم کمونیست ها بکاهد. تصمیم به پرداخت حقوق عقب مانده کارگران، بالا بردن حقوق بازنشستگی و سرمایه گذاری دولتی در صنایع بیمار همه تلاش هایی در جهت اثبات بزرگواری یلتسین برای مردمی بود که از سیاست های طرفدار بازار او شدیداً صدمه دیده اند. یک هفته پیش از انتخابات، بانک مرکزی تصدیق کرد که ۲ میلیارد دلار یعنی یک چهارم ذخیره ارزی کشور را در طی دو ماه جهت تامین هزینه وعده و وعیدهای تبلیغاتی یلتسین به مصرف رسانیده است. اینکه چگونه دولت یلتسین در طول ۴ سال و نیم مردم روسیه را به خاک سیاه فقر و ورشکستگی نشانده، چپ و راست وعده به تاملین بودجه برای پروژه های مختلف می دهد وقتی قابل درک است که در نظر بگیریم که امپریالیسم جهانی با درک وضعیت خطرناک یلتسین در طی دو ماه ۱۰ میلیارد دلار از طریق صندوق بین المللی پول و ۶/۵ میلیارد دلار از طریق بانک جهانی در اختیار او قرار داد و کلوب پاریس که متشکل از اعتبار دهندگان غربی است موافقت کرد که ۳۰ میلیارد دلار بدهی کنونی روسیه را تجدید زمانبندی کند که در طی ۲۵ سال پرداخت شود. البته این قراردادهای نتیجه دیگری نیز خواهد داشت، به این مفهوم که دست های دولت آینده در مورد تصمیم گیری های سیاست اقتصادی را بسته و هر موقع که کشورهای غربی بخواهند می توانند زمین زیر پای دولت را خالی کنند.

با توجه به حقایق بالا است که بُعد شکست یلتسین و سراسیمگی او در لحظه اعلام نتایج دور

اول مشخص تر می شود. تصمیم یلتسین به دعوت الکساندر لید برای همکاری و اعطای پست مسؤولیت شورای امنیت ملی ریشه در این وحشت یلتسین دارد. او بلافاصله پس از اعلام نتایج آراء شروع به وسیع تر کردن پایگاه اجتماعی خود نمود و با تبلیغات وسیعی اینطور وانمود کرد که با جلب آراء لید، عملاً او اکثریت آراء را از هم اکنون به نفع خود جلب کرده است. ولی همانگونه که گنادی زیوگانف در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: «رای دهندگان برده نیستند که بشود آنها را متعاقب تمایل کاندیدای آنها به کس دیگری منتقل کرد». در واقع پلاتفرم انتخاباتی الکساندر لید، انتقاد از سیاست های دولت، فساد و اضمحلال موقعیت جهانی روسیه بود. ۱۱ میلیون نفری که به نفع او رای دادند در حقیقت مخالفان یلتسین هستند که نظر خود را با چنین حمایتی ابراز کرده اند و در صورت تغییر موضع لید، آراء خود را به نفع کاندیدای مخالف یلتسین به صندوق خواهند ریخت. مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که از هم اکنون شواهدی در دست است که کاندیداتوری لید در عمل حربه ای از طرف طرفداران یلتسین برای دوبارچه کردن رای کاندیدای کمونیست بوده است. هفته نامه اوبشایا گزارتا گزارش داده است که ستاد انتخاباتی مبلغ ۱۳ میلیون پوند به لید کمک کرد که او یک تبلیغات پر سر و صدا برای کاندیداتوری خود راه بیاندازد و همچنین به ایستگاه های تلویزیونی دستور داده شده بود که از حملات خصمانه و گزنده علیه لید خودداری کنند. افشای چنین حقایقی و در ضمن چهره واقعی لید برای مردم روسیه و شرکت او در طرح های ضد مردمی دولت یلتسین در روزهای آینده می توانند امیدهای یلتسین را نقش بر آب کنند. لید از همین اولین لحظات نشانه های جدی از پوشالی بودن شخصیت خود، دروغ بافی و موضع گیری به سود وابسته ترین محافظ دور و بر یلتسین نشان داده است. او با تلاش در تثبیت موقعیت خود و برکناری ژنرال میخائیل باروسکف، صدر سرویس امنیتی فدرال، ژنرال الکساندر کورژاگف، مسؤول گارد ریاست جمهوری و سوسکوتس، معاون اول نخست وزیر در عمل قدم اول را به نفع چوبیاس طراح سیاست های سپردن صنایع به بخش خصوصی برداشته است. بخش عمده ای از افکار عمومی و به ویژه توده های زحمتکش چوبیاس را به عنوان مسؤول تضعیف اقتصادی روسیه و تسلیم پذیر کردن کشور در مقابل انحصارات امپریالیستی و چپاول منابع و دارایی های دولت از سوی نوکیسه های بورژوازی نوپا و تحت کنترل مافیای روسیه می دانند. مطمئناً این کارت برنده ای به نفع انتخاب یلتسین نخواهد بود. گنادی زیوگانف پس از اعلام تغییر و تحولات در مسؤولان کرملین به دستور لید گفت: کرملین اکنون زیر کنترل یک «ستون پنجم» طرفدار غرب قرار گرفته است.

ادامه در ص ۴

کمک مالی رسیده

۴۰۰ مارک

روزیه و سیامک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:483

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

2 July 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک Berliner Sparkasse